



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی تاثیر معلمان در سیستم های آموزشی بر تغییر نظام ارزشها در افراد بزهکار

حانیه احمدی^۱، هاله احمدی^۲، لیلا زینالپور^۳، فاطمه زهرا کیانی قلعه نو^۴

۱-دانشجو معلم

۲-دانشجو معلم

۳-کارشناسی زیست شناسی

۴-دانشجو معلم

چکیده

در مطالعه اخیر به تاثیر معلمان در سیستم های آموزشی بر تغییر نظام ارزشها در افراد بزهکار پرداخته شده است. در چند دهه اخیر مسأله ارتباط بین برخی از ویژگیهای شخصیتی و بزهکاری بسیار پژوهشگران را متوجه خود کرده است ولی اگر بزهکاری از زوایای متفاوت بررسی کنیم خواهیم دید که بحث ریشه ای تر در این زمینه مطالعات عمیق بر نظامهای ارزشی این افراد و مؤلفه های این نظام ارزشی است چرا که رفتار و عملکردهای افراد اغلب در راستای اولویتهای ارزشی است که برای خود بر می گزینند. مؤلفه های بنیادی نظام های ارزشی در افراد ارزشهای نو، و ارزشهای سنتی است و به بیانی دیگر می توان آنها را ارزشهای ابزاری و ارزشهای نهایی خواند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ارائه خدمات مشاوره ای در تغییر گرایش به مؤلفه های نظام ارزشی یعنی ارزش های نو و سنتی در گروههای بزهکاران است. ارزش های آموزش دیده شده توسط معلمان تربیتی، از موضوع هایی است که در حوزه توجه تعدادی از تخصص ها، مانند: فلسفه، دین، تربیت، اقتصاد، جامعه شناسی و روان شناسی واقع می شود. علی رغم اهمیت موضوع ارزشها، به عنوان یکی از موضوع های اساسی و مهم در حوزه روان شناسی اجتماعی، توجه به پژوهش آن به طور کلی و تغییر و تحول آن در طی دوران عمر به طور خاص، دیر صورت گرفته است. شاید این امر به علتهایی چون اعتقاد بسیاری از پژوهشگران و محققان، روانشناس، به خارج بودن آن از حوزه پژوهش های میدانی و مشکل اندازه گیری و تعیین ابعاد و رابطه با دیگر متغیرها بر می گردد. به دنبال فرایند مزبور، از جمله معضلات گریبان گیر بسیاری از کشورها و شهرهای مختلف، وجود پدیده ای به نام «بزه کاری نوجوانان و جوانان» می باشد. این پدیده که عمدتاً ناشی از تعارض بین فرهنگ ملی، بومی و محلی، با فرهنگ صنعتی و جهانی و نیز برخی کاستیها در مسائل تربیتی، خانوادگی، اخلاقی و ...



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

است، در نتیجه، بحران‌های هویت و عدم کارایی اقتصادی، بیکاری و... پدید می‌آید. این‌گونه معضلات به حدی شایع و گسترده شده است که امنیت جامعه را تهدید می‌کند. شناسایی علل و عوامل این پدیده نامیمون در میان نوجوانان و جوانان، مبارزه با مفاسد اجتماعی و اقدامات تنبیهی و نیز اقدامات پیشگیرانه و آموزش‌های لازم به خانواده‌ها، به ویژه در خصوص تعلیم و حیانی و تربیت اسلامی، از جمله عوامل مهم برون‌رفت از بزه‌کاری و معضلات اجتماعی است.

کلمات کلیدی: بزه‌کاری، معلم، سیستم آموزشی، فرهنگ، اقدامات پیشگیرانه.

مقدمه

افزایش روند بزه‌کاری در ابعاد گوناگون در میان نوجوانان و جوانان، توجه کارشناسان رشته‌های علوم انسانی را به خود جلب کرده است. این توجه، به برخی جنبه‌ها تأکید بیشتر دارد (۱). مهمترین آن، بررسی ارزشها در وابستگی آنها با بعضی از متغیرهای شخصی می‌باشد. مانند: جنس، دیانت، رشته تحصیلی و همچنین، در وابستگی آنها به توانایی‌های شناختی و تحول ارزشها و تغییر آنها در طی دوران عمر می‌باشد. یکی از هدفهای این پژوهش بررسی تغییر نظام ارزشها در افراد بزه‌کار است که چگونه تحت تأثیر خدمات مشاوره‌ای معلمان تربیتی صورت می‌گیرد و همچنین هدف دیگر این پژوهش بررسی این فاکتور است که آیا در نظام دادن به ارزشها، میزان گرایش گروه‌های مختلف بزه‌کار (معتادین، سارقین، منحرفین جنسی) به مؤلفه‌های مختلف ارزشی مثل ارزشهای نهایی، ارزشهای ابزاری، ارزشهای نو (عصری) و ارزشهای سنتی با یکدیگر متفاوت است و همچنین بر اثر دریافت خدمات مشاوره‌ای نیز نسبت به قبل متحول می‌شود یا تغییر چشمگیری حاصل نمی‌کند. عبارت دیگر شرایط اجتماعی بیرونی تا چه حد بر تغییر ارزشهای فرد تأثیر دارد (۲).

اهمیت نظری پژوهش کنونی که در مسائل زیر متجلی می‌شود:

الف: تعیین محدوده مفاهیم اساسی پژوهش و کیفیت بررسی آنها که شامل مفهوم تحول و مفهوم ارزش‌ها و مفهوم نظام ارزش‌ها می‌شود.

ب: شناخت روش‌ها و راه‌های به کار گرفته شده در کشف ارزش‌ها.

ج: شناخت عمل کسب ارزش‌ها و محدودیت‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی و بیولوژیکی آن.

د: ارائه نمونه‌ای از یک پژوهش میدانی دربارهٔ تحول نظام ارزش‌ها نزد گروه‌هایی از دانش‌آموزان به عنوان نمایندگان مراحل سه‌گانه سنی، یعنی: کودکی پسین، نوجوانی پسین و جوانی پیشین (۳).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

هد: بیان پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین نظام ارزش‌ها و چارچوب فرهنگی می‌پردازد.

عوامل اجتماعی :

بنجستون معتقد است که ارزش‌ها حاصل سه سطح اجتماعی اند:

سطح اول: سطحی که در آن فرهنگ، مفهوم‌های مطلوب را مشخص می‌کند.

سطح دوم: سطحی که خانواده و رویکردهای آن را به سوی همان ارزش‌ها و هدف‌ها نشان می‌دهد (۴).

سطح سوم: که در جنبه‌های اجتماعی فرعی مانند سطح اقتصادی - اجتماعی، دین، نژاد، شغل و سطح آموزش و غیره نمایانگر است (۳).

اکنون به شرح هر یک از این سطوح می‌پردازیم:

سطح اول: نقش ساختار فرهنگی در کسب ارزش‌ها: رشد کودک تحت تأثیر روش و رویکردهایی است که از فرهنگ، جامعه و خانواده‌اش، می‌پذیرد، و فعالیت اجتماعی ساختاری است که کودک از آن رفتارها، باورها، معیارها و ارزش‌هایش را کسب می‌کند. این ساختار در طی دوره‌های مختلف زندگی و تجربه‌های خاصی که بر او می‌گذرد و پرورش یافتگان در آن نقش آشکاری را بازی می‌کنند، ادامه دارد و با توجه به توانایی آنها در برآوردن نیازهایش و کمک به او در شکل‌گیری مفهوم‌ها و نمودهای اشیاء در محیط زندگی (۲)، کودک در جامعه‌ای به دنیا می‌آید که خود دارای ارزش‌ها و معیارهای مشخصی است و کودکان این معیارها و ارزش‌ها را در قالب همین جامعه فرا می‌گیرند. بنابراین نباید تصور شود که قالب فرهنگی (آنگونه که برخی معتقدند) فقط بر ما محیط است بلکه واقعیت آن است که بخش عمده‌ای از آن تنها از طریق ما شکل می‌گیرد و به عنوان مثال ارزش‌ها، رموزها و شکل‌های مختلف رفتار قابل‌پذیرش و مطلوب، همگی بخش‌هایی از فرهنگ هستند که وجود یافتن آنها جز به واسطه افراد جامعه، و استمرار آنها با گذشت نسل‌ها و انتقال از نسلی به نسل دیگر ممکن نیست (۵).

سطح دوم: نقش خانواده در کسب ارزش‌ها: خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در کسب ارزش‌ها توسط فرزندان به شمار می‌آید. خانواده در سایه معیارهای فرهنگی موجود برای فرزندان مشخص می‌کند که چیزهایی مطلوب و شایسته و چه چیزهایی نامطلوب است. دنیای دآوری‌های ارزشی کودک در مراحل آغازین عمر، دنیایی گسترده و نامحدود است که به سبب نبودن یک چارچوب مرجعی و روشن از تجربه‌ها شکل می‌گیرد. کودک در آغاز زندگی دارای وجدان یا معیاری برای ارزش‌ها نیست و به روش غیر اخلاقی رفتار می‌کند زیرا توانایی تشخیص درست و نادرست را ندارد؛ از سویی قرارداد اخلاقی او



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

در سایه رابطه با دیگران، یعنی خانواده و دوستانش رشد می یابد، او بخاطر اشتباه تنبیه می شود و در برابر درستی پاداش می گیرد. نتایج پژوهش ها روشن ساخت، پذیرش ارزش ها و معیارهای پدر و مادر توسط کودک به مقدار گرمی و مثبتی بستگی دارد که کودک در ارتباط با آنها از آن بهره مند می گردد (۶). به عنوان مثال رشد وجدان بستگی به رفتار یکسان سازی کودک با پدر و مادرش دارد. این یکسان سازی هنگامی مستحکم می گردد که پدر و مادر بسیار اهل توجه و محبت باشند. یعنی کودکی که با جدیت با پدرش یکسان سازی می کند، به طور طبیعی سریع تر معیارهای رفتاری پدر را می پذیرد. از سوی دیگر، کودکی که از رابطه گرم عاطفی پدر و مادر بهره مند است، علاقه مند به حفظ این رابطه بوده، نگران از دست دادن آن است. کودک نگران است که نکند (۷) توجه و محبت پدر و مادر را از دست بدهد، بنابراین معیارهای رفتاری اش را حفظ می کند تا از شدت نگرانی اش بکاهد و این چنین است که اهمیت آگاهی (بیم) کودک از دست دادن محبت، به عنوان یکی از عامل های دربردارنده رشد وجدان، روشن می گردد. البته این احساس نگرانی به محبت اصیل بستگی دارد. به عبارت دیگر، کودکی که محبت پدر و مادرش را احساس نمی کند، نگران از دست دادن آن نیست؛ در نتیجه در چنین حالتی دشوار است تصور کنیم که کودک از معیارها و ارزش های جامعه چه تصویری دارد (۱).

به طور کلی روش فعالیت اجتماعی که پدران یا فرزندان از آن پیروی می کنند، در پذیرش ارزش های خاصی تأثیر می گذارد. ماکینی به این نتیجه رسید که بین رویکرد ارزشی فرزندان و تصور و درکشان از الگوهای رفتار پدر و مادر، ارتباطی وجود دارد. فرزندان دارای رویکردهای آمرانه در می یابند که پدران بیشتر اهل پاداش و کمتر اهل تنبیه هستند، بنابراین به عملی گرایش دارند که درست باشد. در حالی که فرزندان با رویکردهای بازدارنده در می یابند که پدران بیشتر اهل تنبیه و کمتر اهل پاداش هستند، بنابراین بیشتر توجه آنها به دست نیازیدن به کار نادرست معطوف می شود (۵).

خانواده، به منزله یک نهاد اجتماعی، در یک خلأ اجتماعی به وجود نمی آید، بلکه قالب فرهنگی که وابسته بدان است بر آن حاکم می شود. در سطح اقتصادی - اجتماعی و دینداری و دیگر متغیرها نیز این اثرپذیری متجلی می گردد. بنابراین خانواده در کسب ارزش های خاصی توسط فرد نقش اساسی بازی می کند، و گروه های مختلفی که در مرتبه دوم قرار داشته، فرد در جریان زندگی اجتماعی بدان وابسته است، نقش تکمیل کننده ای را به عهده دارد. فرد از برخی ارزش هایی که در محیط خانواده کسب می کند، دست بر می دارد و ارزش های دیگری را می گیرد که در قالب گروههای مختلف مرجعی که بدان وابسته است، وجود دارد (۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

سطح سوم : نقش متغیرهای فرعی در درون قالب فرهنگی

نظام ارزش ها و سطح اقتصادی - اجتماعی: روشن شد که در ارزش های فرزندان با توجه به اختلاف طبقه اجتماعی که بدان وابسته اند، تفاوتی وجود دارد، و پدران طبقه متوسط به پرورش ارزش های خاصی نظیر موفقیت و نوآوری در فرزندانشان توجه دارند ولی پدران طبقات پایین چنین نیستند. تفاوت هایی معنادار بین سطوح اقتصادی - اجتماعی مختلف در اموری که به ترتیب برخی ارزش ها در درون نظام ارزشی اختصاص دارد، هم یافت می شود و نوعی هماهنگی هم بین این سطوح، با اهمیت ارزش دینی و بی توجهی به ارزش های نظری و زیبا شناختی وجود دارد. به عنوان مثال مادرانی که در سطوح بالای اقتصادی - اجتماعی زندگی می کنند به ارزش هایی چون: اهمیت دادن به دیگران علاقه به آگاهی و خویشترنداری و خوش گذرانی اهمیت می دهند، همانگونه که به پرورش این ارزش ها در فرزندان شان می پردازند. اما مادرانی که در سطح اقتصادی پایینی قرار دارند، به ارزش هایی چون فرمانبرداری و پاکیزگی اهمیت می دهند. همچنین افراد این طبقه به ارزش هایی چون دینداری، صداقت، تسامح، فرمانبرداری و پاک سیرتی نیز اهمیت می دهند و در مقابل افراد بهره مند از سطح اقتصادی بالا به رازش هایی چون موفقیت، امنیت خانوادگی، عشق، صلاحیت و به کارگیری قوه خیال و سازگاری درونی اهمیت می دهند (۹).

این مطلب با نتیجه پژوهشی که دکتر عمادالدین اسماعیل و دیگران در زمینه فعالیت اجتماعی کودکان مصری انجام داده اند، هماهنگ است. این پژوهش روشن ساخت که رویکردهای پدران به سوی امور تربیتی از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است، و پدران به طور کلی در موقعیت های مربوط به جنس با فرزندان شان تساهل نمی ورزند، نظیر دشمنی که با آنان در موقع خواب و بیرون رفتن از خانه نشان می دهند همچنین مشخص شد میزان توجه پدران به برخی از موقعیت ها با توجه به اختلاف طبقه اجتماعی که بدان وابسته اند متفاوت است (۱۰).

نظام ارزش ها و آموزش

الف - نظام ارزش ها و سطح آموزش

وقتی تفاوت های بین ۲۰ ارزش از ۳۶ ارزش با معیار راکیچ میان ثروتمندان و فقیران آشکار شد، روشن گردید که ۲۵ ارزش آشکار در سطوح آموزشی مختلف، که به اهمیت متغیر آموزش در رابطه با ارزش ها، با مقایسه دیگر متغیرها، تمایز افکند. نظام ارزش ها به نوع آموزش (دولتی یا خصوصی) نیز وابسته است. روشن شد که مهمترین ارزش های ابزاری نزد دانش آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

دبیرستان های دولتی یا رسمی - بر حسب اهمیت آنها - در امانت، مسؤولیت، وسعت نظر، بلندپروازی، شادی و نشاط، خویشتن داری (۱۱) و ادب، قدرت، عشق، به کارگیری منطق و تسامح متجلی می شود. اما ترتیب ارزش های ابزاری بر حسب اهمیت آنها نزد دانش آموزان دبیرستانهای خصوصی در امانت، مسؤولیت، بلندپروازی، خویشتن داری، شادی، شوق، کمک و قدرت و استقلال متجلی می شود. اما درباره ارزش های نهایی که برای دانش آموزان دبیرستان های دولتی اهمیت دارند عبارتند از: صلح جهانی، صداقت راستین، آزادی، برابری، خوشبختی و حکمت. و در مقابل ارزش صداقت راستین، آزادی، صلح جهانی، خوشبختی و حکمت و موفقیت نزد دانش آموزان دبیرستان های خصوصی اهمیت دارند. این نتیجه ها از وجود تفاوت های اندکی در ترتیب ارزش ها بنا به نوع مدرسه، پرده برداشت و این به فضای اجتماعی تأثیر گذار در رابطه با همه دانش آموزان بر می گردد (۱۲).

نظام ارزش ها و رشته تحصیلی: روشن شد که بین رشته تحصیلی و نظام های ارزشی هم رابطه ای وجود دارد، مثلاً متخصصان در زمینه زمینه فیزیک به میزان بالایی از ارزش های نظری و زیباشناختی و اجتماعی دست می یابند. شاید این به توجه اساسی آنها به جستجوی حقیقت باز گردد. اما ارزش های نظری، سیاسی و اقتصادی نزد مهندسان از اهمیت زیادی برخوردار است. چنان که کارفرمایان هم به ارزش اقتصادی و همچنین ارزش سیاسی اهمیت زیادی می دهند. آنها همیشه برای دستیابی به سود و درآمد و قدرت و سلطه تلاش می کنند. دانشجویان دانشکده های عملی نیز بیشتر از دانشجویان دانشکده های نظری به پذیرش ارزش های اخلاقی گرایش دارند، شاید این به طبیعت انتقادگر و اندیشه ورزی و فلسفی موضوع های درسی آنها برگردد (۱۳).

بزه کاری و اهمیت آن در نوجوانان و جوانان

بزه کاری به شیوه های گوناگون تعریف شده است. به نظر می رسد، کامل ترین تعریفی که با توجه به نظریات کارشناسان رشته های مختلف ارائه شده، این است که بزه کاری، اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات و قوانین جامعه بوده، انجام آن موجب پیگرد قانونی می شود و کسانی را که مرتکب چنین اعمالی می گردند، مجرم یا بزه کار می گویند. با وجود اینکه در دوره های مختلف زندگی انسان، همواره بزه کاری نوجوانان و جوانان جزئی از مسائل جوامع گوناگون بوده، ولی این مسئله هیچ گاه در حد مسائل حاد اجتماعی و به صورت بحران درنیامده است (۱۴). اما از قرن نوزدهم به بعد، افزایش بزه کاری نوجوانان و جوانان به ویژه ارتکاب جرایم توأم با خشونت و قساوت یکی از بزرگ ترین معضلات اجتماعی محسوب شده و افکار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

عمومی جهان را نیز نگران نموده است. در همین ارتباط، گزارش‌های سازمان ملل در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که همواره بر میزان جرایم در سطح جهان افزوده شده و روند افزایش بزه‌کاری بیش از میزان رشد جمعیت است. از این‌رو، یکی از مسائل پیچیده و در عین حال مهمی که بسیاری از جوامع را تهدید می‌کند و توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، جرم‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی را به خود معطوف داشته، بزه‌کاری، به ویژه در نوجوانان و جوانان می‌باشد. پیامدهای بزه‌کاری نوجوانان و جوانان، علاوه بر ضرر و زیان همه‌جانبه‌ای که متوجه این‌گونه افراد و جوامع می‌شود، هدر رفتن سرمایه‌های ملی و تباهی نیروها و استعدادهای جوانانی است که از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین هزینه‌های هنگفتی همه ساله صرف جبران خسارات وارده بر کشور می‌شود؛ از قبیل: دستگیری، پیگیری، نگهداری و بازپروری نوجوانان و جوانان. از همه دردناک‌تر اینکه، متأسفانه درمان بزه‌کاری نیز همواره کافی نبوده و شواهد موجود حاکی است که بخش عظیمی از نوجوانان و جوانان بزهکار در بزرگسالی نیز راهشان را ادامه می‌دهند (۱۵).

پیشینه بحث

در زمینه علل بزه‌کاری نوجوانان و جوانان، مطالعات و تحقیقات متعددی در دهه‌های اخیر به وسیله محققان رشته‌های گوناگون علوم رفتاری صورت پذیرفته که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌گردد:

الیوت (Elliot) و ووس (Voss) بر اساس مطالعه‌ای که درباره دانش‌آموزان دبیرستانی انجام داده‌اند، اهمیت احتمالی تأثیر شکست تحصیلی را در به وجود آوردن بزه‌کاری نشان داده و اعلام کردند دانش‌آموزانی که ترک تحصیل نموده‌اند، هم در پرسشنامه‌های خودسنجی نمرات بالایی را در بزه‌کاری به دست آوردند و هم برخوردهای متعددی را با پلیس داشتند؛ اما دانش‌آموزانی که تمامی اوقات را در دبیرستان می‌گذراندند، دو مسئله بالا را نداشتند. سرانجام دو محقق مذکور نتیجه گرفتند که ترکیبی از شکست تحصیلی و چگونگی واکنش دبیرستان به این شکست، زمینه‌ساز رفتار بزهکارانه در نوجوانان و جوانان است. وست (Vest) و فارینگتون (Farengton) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بزهکاران در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و هوش، به نسبت نمرات پایین‌تری می‌آورند (۱۶).

بونکر (Bonker) در تحقیق خود نشان داد که در ایتالیا ۸۸ درصد از محکومان که بازداشت شده بودند، جزو طبقه بینوایان بوده‌اند. همچنین شاو (Shaw) در مطالعه مناطق جرم‌خیز شیکاگو مشاهده کرد که همبستگی بین جوانان مجرم و وضع بد مالی خانواده، ۷۴ درصد بوده است. این تحقیقات نشان داده‌اند که بین جرم و شرایط اقتصادی رابطه نزدیکی وجود دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

هویر (hoir)، روان‌شناس معاصر و پزشک بیماری‌های روانی، پس از بررسی‌های آماری ده کشور اروپایی مدعی شده است ۸۸ درصد کودکانی که مرتکب گناه می‌شوند از خانواده‌های گسسته‌اند. این دانشمند با تحقیقات خود نشان می‌دهد بین ۸۰ تا ۹۰ درصد کودکان منحرف یا مجرم، از خانواده‌هایی هستند که وضعیتی مغشوش و نابسامان داشته و شیرازه آنها از هم گسسته شده است. در ایران نیز تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. در سال ۱۳۵۸، دکتر محمدصالح ولیدی طی تحقیقی تحت عنوان «تحلیلی از شرایط محیط طبیعی و اجتماعی استان کردستان در ارتباط با بزه کاری» بیان می‌کند که مطالعه بزه کاری بدون توجه به تأثیر عوامل محیط طبیعی و جغرافیایی ناکافی بوده و از نظر تأثیر محیط طبیعی و جغرافیایی بر بزه کاری، اثر آب و هوا بیشتر از سایر جنبه‌ها نمایان‌تر است (۱۷).

بر اساس گزارش کانون اصلاح و تربیت سازمان زندان مشهد، که در سال ۱۳۶۱ منتشر گردید، ۶۲ درصد افراد موجود در کانون، والدینشان با یکدیگر ناسازگاری داشته‌اند. این امر بیانگر ارتباط نادرست خانوادگی است که می‌تواند منجر به بزه کاری در نوجوانان گردد. در سال ۱۳۶۹ اداره کل امر به معروف و نهی از منکر کمیته انقلاب اسلامی، طی تحقیقی با عنوان «بررسی علل و انگیزه‌های بزه کاری اطفال و نوجوانان شهر تهران»، عواملی همچون سطح تحصیلات، خانواده، مهاجرت، محل سکونت، اقتصاد و خانواده را در گرایش به بزه کاری مؤثر دانسته و بر اساس نتایج تحقیق موصوف، پیشنهاد می‌نماید که برای پیش‌گیری از بزه کاری نوجوانان، باید یک تلاش همه‌گیر و گسترده صورت پذیرد (۱۸).

در سال ۱۳۷۶ طی تحقیقی که در شهرستان محلات انجام گرفته، چنین نتیجه‌گیری شده است که بین بزه کاری نوجوانان و جوانان و نامناسب بودن وضعیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی، سابقه تحصیلی، وضعیت شغلی و نیز نامناسب بودن وضعیت اعتقادی رابطه وجود دارد. ۱۰ طبق یافته‌های تحقیقی، ۴۴ درصد بزهکاران جامعه ما در خانواده‌های لالابالی زندگی می‌کنند. حال، با عنایت به پیشینه بحث، نگاهی به علل و عوامل و زمینه‌های پیدایش بزه کاری در میان نوجوانان و جوانان می‌اندازیم: علل و عوامل و زمینه‌های بزه کاری نوجوانان و جوانان به دلیل آنکه بزه کاری نوجوانان و جوانان یک آسیب بزرگ اجتماعی محسوب می‌شود، عوامل مؤثر در آن بسیار متنوع هستند. با این حال، تشخیص میزان تأثیر عوامل مختلف در به وجود آوردن بزه کاری مشکل است؛ زیرا در حقیقت تمامی عوامل درونی و بیرونی پیدایش بزه کاری مثل رشته‌های زنجیر به هم پیوسته، هر یک مقدمه دیگری است، این عوامل به اندازه‌ای متنوع و فراوانند که به طور دقیق نمی‌توان گفت کدام یک از آنها بیش از سایر عوامل در وقوع بزه کاری مؤثر بوده است (۱۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

نقش خانواده در خشونت زدائی دانش آموزان (خانواده محوری) چگونه است؟

برای پاسخ به این سوال موارد ذیل مورد بررسی قرار گرفته است :

- * نقش پدر در تربیت فرزند
- * نقش مادر در تربیت فرزند
- * تأثیر تفاهم والدین در تربیت کودک
- * تفاهم در نحوه ی تربیت کودک
- * تأثیر نزاع والدین بر کودکان (۲۰)
- * نقش خانواده در پیشگیری

در پاسخ به این سوال پژوهش طبق نتایج حاصل از مطالعات بر روی نظریات صاحب نظران روانشناسی و علوم تربیتی و رفتاری مشخص شده است که جایگاه خانواده در (والدین و بالاخص تعاملات و تفاهمات آنها در شیوه فرزند پروری بسیار با اهمیت می باشد. در محیط خانواده مولفه ها و فاکتورهای گوناگونی موجب می شوند که کودک و نوجوان به سمت و سوی بزهکاری و انحراف تمایل پیدا کند. عواملی چون بزهکاری والدین و اعضای خانواده، اختلاف و درگیری در سطح خانواده، نظارت ضعیف والدین و ناتوانی ایشان در تربیت صحیح فرزندان، طلاق و غیره موثر در بزهکاری اطفال است که از آنها تحت عنوان عوامل خطر مرتبط با خانواده نام می برند. البته لازم به ذکر است که تاثیر این عوامل در بزهکاری کودک و نوجوان متفاوت است و از خانواده ای به خانواده ی دیگر فرق می کند، لکن خطرناک ترین و موثرترین این عوامل را می توان بزهکاری اعضای خانواده، جدایی والدین از یکدیگر و تربیت مبتنی بر تنبیه و خشونت دانست. علی ایحال به منظور مقابله با این عوامل برنامه‌هایی با عنوان برنامه‌های خانواده مدار طراحی و اجرا شده است. مهمترین این برنامه ها؛ برنامه های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه های مراقبت روزانه، خانواده درمانی و برنامه هایی با رویکرد جامع می باشد. ارزیابی این برنامه ها که در کشورهای مختلف و متنوعی به اجرا درآمده همگی حاکی از تاثیرات مثبت این برنامه ها در پیشگیری و کاهش بزهکاری کودکان و نوجوانان است. لذا در خصوص نقش خانواده در خشونت زدائی دانش آموزان (خانواده محوری) عوامل تعیین کننده ای شامل سه عامل نقش پدر، نقش مادر و تفاهم در رفتار والدین و همچنین نقش تفاهم و نزاع والدین در امر تربیت و خشونت زدائی وجود دارد (۲۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

راه کارهای مناسب برای مقابله با آسیب پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در خانواده

برنامه‌های خانواده‌مدار زیادی به منظور پیشگیری زودهنگام از بزهکاری کودکان و نوجوانان طراحی شده و به عناوین و نام‌های گوناگونی تقسیم‌بندی شده است. کاریو معتقد است که مؤثرترین این برنامه‌ها عبارت‌اند از: ۱. ملاقات‌های خانگی وقتی طفل در سن پایین است ۲. برنامه‌های تربیتی در مرحله آمادگی (پیش از مدرسه) ۳. آموزش والدین (۲). در همین ارتباط سازمان ملی پیشگیری از جرم کانادا این برنامه‌ها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده است. از دیدگاه این سازمان، «این برنامه‌ها معمولاً به سه شکل؛ برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه حمایت از خانواده‌های مشکل‌دار یا خانواده‌درمانی، برنامه‌هایی با رویکرد جامع و هماهنگ، پیش‌بینی شده است.» در هر صورت انتخاب هر یک از برنامه‌های معرفی شده به منظور مداخله جهت پیشگیری، براساس معیارهایی به این شرح‌اند: این برنامه‌ها باید مبتنی بر اساس خانواده باشد؛ عوامل خطر مرتبط با خانواده را مشخص کند؛ کودکان و نوجوانان مورد هدف در این برنامه‌ها باید به‌عنوان اشخاصی در نظر گرفته شوند که در معرض بزهکاری هستند؛ نتایج این برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که بعد از ارزیابی، در واقع، کاهش عوامل خطر را به‌علت به‌کارگیری عوامل حمایتی تصدیق کند (۲۰).

حق بر آموزش در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق در سوم ژانویه ۱۹۷۶ به دنبال تودیع ۳۵ سند تصویب لازم‌الاجرا گردید. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌گونه که در متن میثاق آمده است جزء جدایی‌ناپذیر مجموعه حقوق بشر شناخته شده است. میثاق مزبور عمده‌ترین سند الزام‌آور بین‌المللی است که به تفصیل، عنایت و توجه حقوق بین‌الملل را در دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. ماده ۱۳ از آن میثاق برای هر فرد حق بهره‌مندی از آموزش را مورد تأکید و شناسایی قرار داده است. از دید این سند، جهت‌گیری آموزش باید به سمت رشد و تعالی و کمال شخصیت و کرامت انسانی بوده و به‌ویژه به‌طرف تقویت حقوق و آزادی‌های اساسی جهت داده شود (۵).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

ماده ۱۳:

۱. دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۷۶) حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها می‌پذیرند که آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود.
 ۲. دولت‌های عضو این میثاق، دستیابی و تحقق کامل به حقوق زیر را اذعان دارند:
 - الف- آموزش ابتدایی باید برای همه اجباری و رایگان باشد (۱۱).
 - ب- آموزش متوسطه با اشکال مختلف آن که شامل آموزش فنی و حرفه‌ای متوسطه است، باید به وسیله ابزارهای مناسب، به ویژه در جهت رایج کردن آموزش رایگان برای همه فراهم و قابل دسترس باشد.
 - ج- آموزش عالی باید به وسیله ابزارهای مناسب به ویژه در جهت معمول نمودن آموزش رایگان و براساس استعداد و صلاحیت به طور مساوی قابل دسترس باشد.
 - د- آموزش پایه‌ای برای افرادی که دوره آموزش ابتدایی خود را طی نکرده‌اند و یا تکمیل ننموده‌اند باید تا حد ممکن تشویق گردد (۱۹).
 - ه- گسترش و توسعه سیستم مدارس باید در تمامی سطوح و به طور فعالانه دنبال شود تا یک نظام بورسیه‌ای مناسب تأسیس گردد و همچنین شرایط مادی کارمندان آموزشی باید به طور مداوم بهبود یابد (۸).
- دولت‌های عضو این میثاق متعهد می‌گردند که حق آزادی و اختیار والدین و سرپرستان قانونی را برای انتخاب مدارس کودکانشان غیر از مدارس که به وسیله دولت تأسیس شده است، به شرط تطبیق دادن با حداقل موازین آموزشی که دولت تنظیم و تصویب کرده است، تضمین کنند و نیز حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان بر طبق اعتقادات خود در نظر بگیرد (۲۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

نتیجه گیری

مدرسه به عنوان یک سیستم آموزشی ، دارای اهمیت بسیاری است . مدرسه نقش پر رنگی در تحول و شکل گیری فردیت و شخصیت فرد ایفا می کند و در زندگی شخصی و اجتماعی افراد تاثیرات بسیاری دارد. همچنین مدرسه محیطی مناسب برای یادگیری مهارتهای جدید، شناخت خود و دیگران، شکوفایی استعدادهای فردی و تحقق اهداف شخصی و اجتماعی افراد فراهم می کند. روابط انسانی در مدرسه عامل مهم در تبیین ارزش ها می باشد. دو رکن اساسی روابط انسانی ، معلم و دانش آموز می باشند که معلم نقش مهمی در سلامت روانی دانش آموزان ایفا می کند.مدرسه مهمترین واحد اجتماعی رسمی ، تخصصی است . رشد و تربیت افراد به عواملی همچون خانواده ، جامعه، مذهب، دوستان و رمانهای گروهی بستگی دارد . ولی هیچ کدام از آن ها برای تربیت محض ایجاد نشده اند.مدرسه تنها جایی است که هدف آن تنها تربیت است .معلمین ، مدیران ، آن آموزش تخصصی مهارت های تعلیم و تربیت را آموخته اند . تا دانش آموزان را تربیت کنند . در مدرسه تمامی عناصر و اجزای تشکیل دهنده ی از مدیر تا عوامل فیزیکی بر تربیت و رشد شخصیتی دانش آموزان اثر انکارنا پذیری دارند . که به سرعت تعاملی ارتباط متقابل بین آنها و شاگرد ایجاد می شود که محصول نهایی آن شخصیت خاص دانش آموزی است که در آن سیستم تربیتی پرورش میابد. مدرسه عمیق ترین تاثیرات را بر فکر و شخصیت دانش آموز بر جای می گذارد . چون نیمی از دنیای پیرامون مفاهیم انتزاعی، ارزشی و انسانی هستند که به صورت رمزهای نوشتاری در ذهن ما نقش می بندد که فرد بی سواد فاقد توانایی های ذهنی مربوط به آن هاست. درکنار آموختن، سواد مدرسه عمیق ترین و پایدارترین تاثیرات را بر فرایندهای افراد به صورت همه جانبه در افراد به دنبال دارد.مهمترین اثرات تربیتی مدرسه در دوره ی ابتدایی به صورت آشکار مشاهده می شود که مهمترین دوره ی آموزش و پرورش می باشد چون معمولا برای اولین بارشخص با یک محیط رسمی روبرو می شود واولین برخوردها ساختار شخصیت تحصیلی وی را تشکیل می دهند و با توجه به ویژگی انعطاف پذیری و شکل پذیری فراوان کودک و آمادگی وی برای تقلید از شخصیت دانش آموزان باقی می گذارد.

معروف است با گشودن مدرسه در زندانی بسته می شود که این به دلیل آثار گسترده فردی و اجتماعی مدرسه می باشد. در گذشته تصور می شد مدرسه تنها جای خواندن و نوشتن و کسب نمره است و تنها وظیفه معلم انتقال دانش و معلومات به دانش آموزان است ولی امروزه در سیستم های نوین علمی تعلیم و تربیت مدرسه را محل پرورش تمامی ابعاد شخصیت دانش آموزان در جنبه های بدنی، عقلی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، هنری و حرفه ای می دانند.از سوی دیگر انتظار می



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

رود مدرسه نقایص تربیتی، عوامل دیگر تربیتی یعنی خانواده، جامعه، رسانه و همسالان را جبران کند و با آمدن کودک به مدرسه نقش تربیتی خانه به مدرسه منتقل می شود.

منابع

۱. Azimzadeh Ardabili, F. (۲۰۰۳). Family And Children Rights Foundation. Nedaye Sadegh. ۸.(۳۰). ۱-۳۰. [In Persian].
۲. Cario, R. (۲۰۰۳). Psychological Intervention Early Socialization to Prevent Criminal Behavior. Translated by AliHussain Najafi Abrandabadi. Legal Research. ۷ (۷). ۴۸-۴۹. [In Persian].
۳. Brandon, S. (۱۹۹۸). Does Watching TV Cause Increased Aggression In Children? Translated by Vahid Erfani. Research and Measurement. ۱۵ (۱۶). ۲۰۰-۲۱۱. [In Persian].
۴. Chalabi, M. & Rozbehani, T. (۲۰۰۲). The Role of The Family as a Factor in Preventing Juvenile Delinquency (Relying on Family Discipline). College Of Letters and Humanities Research Shahid Beheshti University. ۲ (۲۹). ۱-۱۹. [In Persian].
۵. Danesh, T. (۲۰۰۵). Who Is Guilty? What Is Criminology? Tehran: Keyhan. [In Persian].
۶. Darvish, P. (۲۰۱۱). Importance And Necessity of Non-Formal Education. Correcting and Training. ۱۰.(۱۲۸). ۱-۱۲. [In Persian].
۷. Drijani, M. (۲۰۰۱). Legal Review of Cognitive of Fences Corporal Punishment Of Children. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran University. [In Persian].
۸. Delvor, M. & Denis, O. (۲۰۰۴). Understanding Mass Communication. Translated by Cyrus Moradi. Tehran: Radio and Television University. [In Persian].
۹. Ghafori Gharavi, H. (۱۹۸۲). The Motivation of The Criminal. Tehran: National University of Iran. [In Persian].



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

۱۰. Hasting, R. (۲۰۰۱). Crime Prevention Through Social Development. Translated by Hamidreza Javidzadeh. Security. ۴ (۴). ۹-۱۰. [In Persian].
۱۱. Hatami, M. & Zahedi, M. (۲۰۱۳). Right To Education And Government Commitment. Tehran: Khorsandi. [In Persian].
۱۲. Hedayatollah, S. (۱۹۹۴). Introduction To Social Pathology. Tehran: Avayenoor. [In Persian].
۱۳. Khodayarifard, M. & Parand, M. (۲۰۰۶). Family Therapy Approach Based on Cognitive – Behavioral Depression in Adolescents. Psychological Research. ۱۰ (۱۶). ۶۲-۸۳. [In Persian].
۱۴. Moazzami, Sh. (۲۰۰۸) Crime Prevention. Tehran: Majd. [In Persian].
۱۵. Mohammadzadeh, H. (۲۰۰۹). Examine The Role of Education in Preventing Delinquency. Delinquency. ۶ (۳۴). ۶۹-۱۰۴. [In Persian].
۱۶. Parvizi, C. (۲۰۰۱). Family Delinquency Prevention For Children and Adolescent. Tehran: Samt. (In Persian)
۱۷. Sharif, M. (۲۰۰۹). Training For Better Behavior. Tehran: Teyfnegar. [In Persian].
۱۸. Sheykhavandi, D. (۱۹۹۴). Sociology of Deviance Pathology. Tehran: Samt. [In Persian].
۱۹. Tavassoly, Gh. A. (۱۹۹۰). Sociological Theories. Tehran: Samt. (In Persian)
۲۰. Assembly, U. G. (۱۹۴۸). Universal declaration of human rights. UN General Assembly, ۳ (۲) ۱-۳.
۲۱. Zhan, P. (۲۰۰۴). Thoughts on Criminal. Translated by Ali Hussain Najafi Abrandabadi. Tehran: Samt